ناکامی قاچاقچیان در انتقال و توزیع ۴ تن انواع موادمخدر

در درگیری مسلحانه و طرح ارتقای امنیت اجتماعی، بیش از چهار هزار و ۱۲۶ کیلوگرم انواع موادمخدر کشف شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح این خبر گفت: نیروهای پلیس «راین» با انجام اقدامات گسترده اطلاعاتی از قصد قاچاقچیان برای انتقال یک محموله سنگین مواد مخدر از طریق مسیرهای روستایی این بخش باخبر شدند و بی درنگ موضوع را به صورت ویژه در دستور کار قرار دادند. سردار «عبدالرضا ناظری» بیان کرد: بلافاصله ماموران با طرح ریزی عملیاتی منسجم، مسیر تردد قاچاقچیان را تحت کنترل گرفتند و به محض مشاهده خودروی پژو ۴۰۵ راه پاک کن و نیسان حامل مواد مخدر، به آن ها دستور ایست دادند. وی ادامه داد: راننده پژو به محض مشاهده ماموران از محل گریخت اما از طرف سرنشینان نیسان به سمت ماموران تیراندازی شد که ماموران بدون درنگ با قاچاقچیان درگیر شدند و با آتش پر حجم آن ها را زمین گیر و خودرو را متوقف کردند.

این مقام ارشد انتظامی افزود: در ادامه این عملیات قاچاقچیان وقتی عرصه را بر خود تنگ دیدند، با استفاده از کوهستانی بودن منطقه از محل درگیری گریختند. وی خاطر نشان کرد: با کمک سایر گروه های عملیاتی، منطقه تحت کنترل قرار گرفت و خودروی پژو ۴۰۵ راه پاک کن نیز متوقف شد و دو قاچاقچی دستگیر شدند. وی با اشاره به این که تلاش برای دستگیری قاچاقچیان متواری ادامه دارد، اظهار کرد: طی این عملیات یک تن و ۲۱۷ کیلو گرم تریاک، ۵۰۲ کیلو حشیش، ۷۱ کیلو گرم مورفین و یک قبضه سلاح و در مجموع یک تن و ۷۹۰ کیلو مواد افیونی از سوداگران مرگ کشف شد.

سردار ناظری اظهار کرد: یکی از کارکنان پلیس طی این عملیات از ناحیه زانو زخمی شد که به مرکز درمانی انتقال یافت و حال او مساعد گزارش شده است. فرمانده انتظامی استان کرمان همچنین از اجرای طرح دو روزه ارتقای امنیت اجتماعی با کشف دو تن و ۳۳۶ کیلوگرم انواع مواد مخدر در حوزه شهرستان کرمان خبر داد.

«گرگ ها» گوشت گوسفندان را می فروختند

«چوپان ها» دروغگو نبودند!

عکس ها از خراسان

سجادپور- پلیس خراسان رضوی با پوشش مبدل در حاشیه کمربند سبز مشهد، باند سرقت معروف به «هاشم سیاه» را در حالی متلاشی کرد که آن ها با کتک کاری «چوپان ها»، گوسفندان را می ربودند و گوشت ها را می فروختند! به گزارش اختصاصی خراسان، به دنبال وقوع سرقت های سریالی احشام، در حاشیه کمربند سبز مشهد، بررسی های کارشناسی کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی در این باره آغاز شد. تحقیقات میدانی نشان می داد چوپان های گله مورد ضرب و جرح قرار گرفته اند و سارقان که دیگر به گرگ های گله معروف شده بودند، هر بار تعدادی از گوسفندان را به سرقت برده اند. برخی سخنان که از همدستی چوپان ها با سارقان برای دستبرد به گوسفندان حکایت داشت، مورد رنجش خاطر چوپان هایی شده بود که خود قربانی گرگ های گله شده و مورد کتک کاری های ناجوانمردانه قرار گرفته بودند. به همین دلیل کارآگاهان با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) بررسی های تخصصی را با انجام یک سری فعالیت های اطلاعاتی ادامه دادند و به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد سارقان با استفاده از یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ با پلاک مخدوش، اقدام به سرقت های سریالی احشام می کنند زیرا رد لاستیک های پژو روی خاک های منطقه وجود داشت و بازبینی دوربین های نظارتی نیز از مخدوش بودن پلاک پژوی نقره ای حکایت می کرد. بنابر گزارش خراسان، در ادامه گروهی تخصصی از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ «میش مست» (رئیس دایره مبارزه با جرایم خشن) پس از برگزاری جلسات تخصصی و بررسی همه جوانب سرقت های مذکور با حضور سرهنگ قنبری (رئیس اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی) به این نتیجه رسیدند که باید به طور پوششی وارد عمل شوند

یکی از پوست های کشف شده

تا گرگ های گله را شناسایی کنند زیرا چوپان ها دروغگو نبودند و ماجرای سرقت های سریالی برای پلیس مشخص شده بود. گزارش خراسان حاکی است، این گونه بود که کارآگاهان در چند شاخه عملیاتی محیط جغرافیایی وقوع جرم را زیر نظر گرفتند. برخی از کارآگاهان در پوشش مبدل روستایی و بعضی نیز در پوشش لباس های چوپانی به چرای گوسفندان پرداختند و به مدت سه روز در کمین سارقان نشستند تا این که بعد از گذشت سه روز از این ماجرا و در حالی که اهالی محل نیز به همپوشانی کارآگاهان ادامه می دادند، ناگهان خودروی پژوی نقره ای وارد منطقه شد. در این هنگام، همه نیروها به حالت آماده باش درآمدند و بی سیم ها زیر لباس های مبدل به کار افتاد. در همین حال، دو نفر از پژو پیاده شدند و به طرف چوپان رفتند اما قبل از آن که چوپان را غافلگیر کنند، ناباورانه لوله سلاح کلتی را دیدند که از میان لباس های چوپانی به سمت آن ها نشانه رفته بود. آن ها با دیدن این وضعیت، قصد فرار داشتند اما با چند فن دفاع شخصی مامور پلیس زمین گیر شدند. در همین حال، دیگر نیروهای پوششی نیز از راه رسیدند و آن ها را به محاصره درآوردند. در بازرسی از داخل پژو، دو قبضه قمه نیز کشف شد و سارقان در همان بازجویی های اولیه به ارتکاب هشت فقره زورگیری احشام اعتراف و اظهار کردند که گوسفندان سرقتی را در بولوار حُر مشهد سلاخی می کردند و گوشت آن ها را به فروش می رساندند. به گزارش خراسان، در بازرسی از مخفیگاه «گرگ های گله» که یک حیاط قدیمی بود، ۱۰ راس دام زنده و ۲۲ عدد پوست گوسفند کشف شد که مورد شناسایی شاکیان قرار گرفت. بررسی های پلیس در حالی ادامه دارد که طبق اعترافات متهمان و با دستگیری مالخر مشخص شد که پلیس باند معروف به «هاشم سیاه» را متلاشی کرده است و بررسی ها نشان می دهد سرقت های متعددی در منطقه مذکور انجام داده اند.

در امتداد تاریکی

سرقت را از پدرم آموختم!

اولین بار پدرم تیشه ای به دستم داد و چگونگی سرقت پل های آهنی مقابل منازل را به من آموخت و این گونه من از ۱۳ سالگی به کارهای خلاف روی آوردم و در همان دوران نوجوانی سه بار دستگیر شدم تا این که...

این ها بخشی از اظهارات جوان ۱۸ ساله ای است که هنگام سرقت یک دستگاه پراید با شاه کلید دست ساز، توسط نیروهای انتظامی سجاد مشهد در خیابان سیدرضی ۵۵ دستگیر و به پنجه عدالت سپرده شد. این جوان معتاد و سابقه دار که مدعی بود در سرقت دومین پراید ناکام مانده است، درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سجاد گفت: پدرم مردی معتاد است که با جمع آوری ضایعات هزینه های اعتیادش را می پردازد، به همین دلیل مادرم با کارگری در منازل مردم مخارج زندگی ما را تامین می کند ولی پدرم با زورگویی و کتک کاری پول زحمت کشی مادرم را از او می گیرد و صرف اعتیادش می کند. از روزی که چشم باز کردم، با این وضعیت در خانه رو به رو بودم. این آشفتگی و نابه سامانی موجب شد من و دو خواهرم در همان دوران ابتدایی ترک تحصیل کنیم. ۱۳ سال بیشتر نداشتم که روزی برای کمک به پدرم با او همراه شدم تا در بولوار امامت مشهد ضایعات جمع کنیم. آن روز در حالی که من داخل کیسه های زباله را جست و جومی کردم، پدرم با تیشه ای که همراه داشت، به سراغ پل های آهنی مقابل منازل مردم می رفت و با شیوه ای خاص پل ها را سرقت می کرد. او سپس تیشه را به دستم داد و با آموزش چگونگی خارج کردن پل ها، از من خواست با همین شیوه پل ها را بیرون بکشم و داخل کیسه بگذارم. خیلی زود چگونگی سرقت پل ها را آموختم. هنگام خارج کردن چهارمین پل از بتن های سیمانی، ناگهان صاحب منزل بیرون آمد و من از ترس پا به فرار گذاشتم ولی با فریادهای صاحبخانه اهالی محل مرا دستگیر کردند و در حالی اولین سابقه من رقم خورد که پدرم از دور شاهد دستگیری من بود و برای آن که خودش شناسایی نشود، هیچ اقدامی برای آزادی من نکرد. آن زمان مدت کمی را در کانون اصلاح و تربیت بودم و با گذشت شاکیان آزاد شدم اما بیماری روماتیسم مادرم مرا رنج می داد و من نمی خواستم او بیشتر از این کار کند و پول هایش را به پدرم بدهد. به همین دلیل به مراکز مذهبی می رفتم و در آن جا جیب بری می کردم چون پدرم چگونگی کسب روزی حلال را به من نیاموخته بود. آن روزها با پول هایی که از جیب مردم می زدم، ابتدا مایحتاج زندگی را می خریدم و سپس باقی مانده پول ها را به خانه می بردم تا پدرم همه آن ها را از من نگیرد اما وقتی پدرم ماجرا را فهمید به شدت عصبانی شد و با کمربند به جانم افتاد. از آن روز به بعد مجبور شدم سرقت های بیشتری انجام بدهم تا این که در ۱۵ سالگی برای دومین بار دستگیر و روانه کانون اصلاح و تربیت شدم. چند ماه بعد وقتی از کانون آزاد شدم، یکی از دوستانم پیشنهاد سرقت موتورسیکلت را مطرح کرد و گفت که با مخدوش کردن پلاک موتورسیکلت می توانیم سرقت های بیشتری انجام بدهیم. این بود که به همراه «میثم» به راه افتادیم تا موتورسیکلتی را در یکی از روستاهای اطراف مشهد سرقت کنیم ولی این بار نیز به محض سرقت موتورسیکلت توسط ماموران کلانتری شهرک مهرگان دستگیر شدیم و من برای سومین بار راهی کانون اصلاح و تربیت شدم. خلاصه این بار نیز پس از آزادی همواره افکارم درگیر بیماری مادرم بود و من سعی می کردم با دعوا و مشاجره مقابل پدرم خودنمایی کنم تا او از بدرفتاری هایش دست بردارد ولی پدرم برای آن که مرا آرام کند، مقداری موادمخدر سنتی به دستم داد و من دیگر مشاجره نکردم و به همراه دوستانم به استعمال موادمخدر پرداختم. گاهی از موادمخدر پدرم می دزدیدم و گاهی نیز با ایجاد نزاع و درگیری او را مجبور می کردم مقداری مواد به من بدهد. در همین زمان وقتی با چند تن از دوستانم مشغول مصرف مواد مخدر بودیم، یکی از آن ها پیشنهاد سرقت خودرو را مطرح کرد. ابتدا یک پراید از خیابان سیدی سرقت و آن را اوراق کردیم و قطعات آن را به مالخر فروختیم اما زمانی که مشغول سرقت دومین پراید بودیم، ماموران انتظامی رسیدند و مرا دستگیر کردند. شایان ذکر است، به دستور سرهنگ مجدی (رئیس کلانتری سجاد) تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

محصولی از سپهر کود رضوان
جادوی رشد گیاه
کود گوگرد بنتونیت دار (۷۰-۳۰)
• کود پلیت مرغی • کود کامل اکسیر • کربنات کلسیم
• دولومیت • پودر زئولیت • بستر حیوانات خانگی
۰۹۱۵ ۶۹ ۰۰ ۷۸۴
سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۰۰۹۸۸۵